

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان مستند «قائد الحشد»

## «قائد الحشد» روایتگر خلوت و جلوت شهیدابومهدی المهندس است

**مصطفی شاه کریمی**  
**«قائد الحشد»** مستند پرتره‌ای در مورد «جمال جعفر ابراهیم» ملقب به «ابومهدی المهندس»، فرمانده بزرگ مقاومت است که روایتگر احوالات و روحیات او به‌عنوان یکی از بنیانگذاران تشکیلات بسیج نیروهای مردمی عراق (حشد الشعبی) و از فرماندهان بزرگ جبهه مقاومت است که در آن گوشه‌هایی از مبارزات وی علیه داعش و دیگر گروه‌های تروریستی نمایش داده شده است. این اثر به کارگردانی مهدی لارویی، نویسنده‌ی محسن صالحی خواه و تهیه‌کنندگی سیدهاشم موسوی توسط بنیاد مکتب حاج قاسم تولید گردیده است. «جوان» به بهانه حضور این فیلم در یازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار و نمایش آن در سومین روز اکران‌های آنلاین بخش مسابقه «مستند» و «داستانی» این رویداد، با مهدی لارویی، کارگردان آن که سابقه ساخت «تفنگچی‌های پاره» را نیز در کارنامه دارد، گفت‌وگو کرده است.



**طرح ساخت مستند «قائد الحشد» از طرف جایی به شما پیشنهاد شد یا خودتان به فکر ساخت این مستند افتادید؟**

واقعیت این است که طرح اولیه متعلق به خودمان بود، اما بعد از ساخت مستند را به بنیاد مکتب حاج قاسم ارائه کردیم و آنها هم این اثر را پذیرفتند. بعد از شهادت ابومهدی و حاج قاسم یک زمانی با آقای موسوی، تهیه‌کننده مستند قائد الحشد صحبت می‌کردم و خیلی دوست داشتیم یک کار جامع‌تر و کامل‌تری در مورد شخصیت شهیدابومهدی بسازیم؛ چون خود ایشان قبلاً و در زمان حیات این مجاهد بزرگ یک مستندی به اسم «سلفی با ابومهدی» را ساخته بودند. پیش‌زمینه ذهنی و شناختی که آقای موسوی نسبت به شهیدابومهدی داشتند و میل به ساختن یک اثر کامل‌تر در مورد این شهید باعث شد تا سال گذشته سفری به عراق داشته باشیم و با یکسری از فرماندهان حشد الشعبی که سال‌های زیادی را با ابومهدی زندگی کرده بودند و شناخت خوبی از روحیات و شخصیت ایشان داشتند، برای ساخت مستند «قائد الحشد» با آنها مصاحبه بکنیم. ما حاصل این سفر باعث شد تا ما آرشویو پر و پیمانی از فیلم‌ها و مصاحبه‌های دوستان شهیدابومهدی به دست بیاوریم و با تلاش شش ماهه کار تدوین این فیلم را انجام دادیم و مستند «قائد الحشد» که متشکل از تصاویری ناب و دیده‌نشده از ابومهدی هست ساخته شد.

**ما در سکانس‌های ابتدایی مستند قائد الحشد شهیدابومهدی را می‌بینیم که در حال معرفی خودشان هستند؛ از طرفی شما گفتید که ساخت مستند بعد از شهادت ایشان اتفاق افتاده است، این سکانس‌ها را خودتان گرفته‌اید یا از منابع دیگری استفاده کرده‌اید؟**

آن سکانس‌ها مربوط به مستند «سلفی با ابومهدی» است که آقای موسوی تهیه‌کننده آن اثر هم بودند. آقای موسوی در شهر فلوچه شهیدابومهدی را می‌بینند و طی چند روزی که آنجا هستند با ایشان مصاحبه می‌کنند و آن مستند را می‌سازند. ما هم در این مستند یک بخش‌های کوتاهی که فکر می‌کنم در حدود دو یا دو و نیم دقیقه است، از راش‌های آن مستند استفاده کرده‌ایم.

**اسم مستند را چطور انتخاب کردید؟ «قائد الحشد» شهرت شهیدابومهدی در بین نیروهای حشد الشعبی است یا خودتان آن را ابداع کرده‌اید؟**

ما برای انتخاب این مستند خیلی فکر کردیم و اسامی زیادی را هم به‌عنوان گزینه‌های احتمالی مورد بررسی قرار دادیم. ابتدا اسم مستند را «بغداد ۱:۲۰» گذاشتیم، ولی خانواده شهیدابومهدی و مشخصاً دختر ایشان با این اسم موافق نبودند.

**علت مخالفتشان چه بود؟**

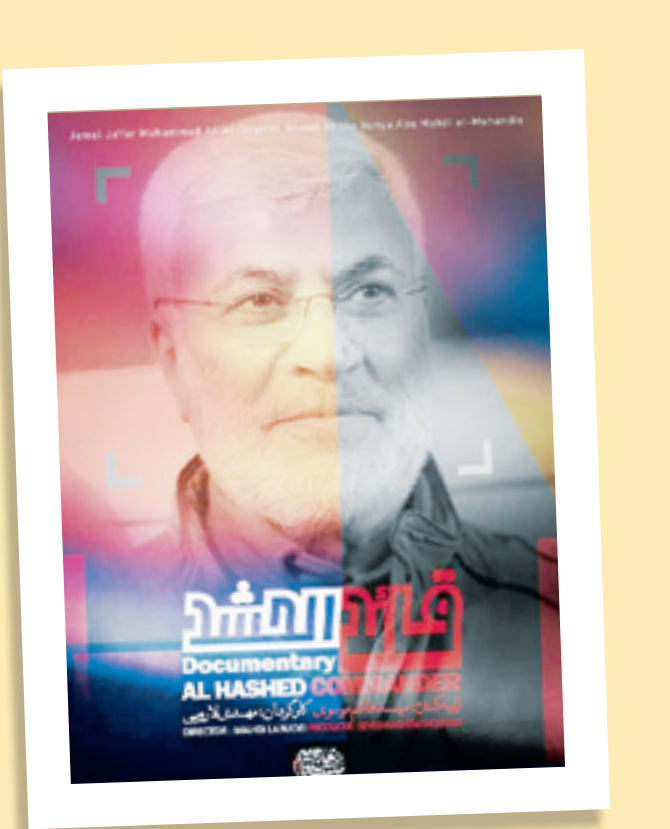
خب آنها می‌گفتند «بغداد ۱:۲۰» که اشاره به محل و ساعت شهادت ایشان دارد، به وقت تهران است، در حالی که زمان شهادت ابومهدی و حاج قاسم به وقت بغداد فرق می‌کند که استدلال درستی هم بود و ما هم پذیرفتیم. بعد از این ماجرا مدت زیادی به اسامی مختلف دیگری فکر کردیم تا اینکه خانواده شهیدابومهدی و بنیاد مکتب حاج قاسم روی اسم «قائد الحشد» توافق کردند و از آنجایی که کسب رضایت خانواده شهیدابومهدی برای ما خیلی مهم بوده ما هم تبعیت کردیم و اسم مستند همین شد.

**نحوه انتخاب اشخاص**

**مصاحبه‌شونده‌مستند**

**چطور بود؟**

همه این مصاحبه‌ها را در جریان سفرمان به عراق گرفتیم. این افراد یا در بین نیروهای حشد الشعبی عراق دارای مسئولیت هستند یا اینکه قبلاً جزو آنها بودند. ما یکسری از افراد را پیش از رفتن به عراق در



**حشد الشعبی باشند؟**

ما فقط خواستیم کسانی باشند که با شهیدابومهدی آشنا باشند و ایشان را از دوران قبل از ظهور گروه تروریستی داعش بشناسند. این افراد کسانی هستند که با ابومهدی زندگی کرده‌اند و هم در ایام جنگ و روزهای سختی و هم در خلوت و جلوت و ایام آرامش با این شهیدبزرگ گوار حشر و نشر داشته‌اند. در واقع ما هم به دنبال کسانی بودیم که از روحیات شخصی ابومهدی آگاهی داشته باشند. تمام این افراد عراقی هستند، منتها بعضی از آنها به دلیل اینکه جزو نیروهای سپاه بدر بودند می‌توانستند فارسی حرف بزنند. افرادی مثل پدر شهیدمحمدرضا الجابری (محافظ شهیدابومهدی المهندس)، ابوعلی بصری یا مثل ابوعلی کوفی که سال‌های زیادی را در ایران زندگی کرده‌اند.

**تصاویری در مستند وجود دارد که ظاهراً جزو تصاویر اختصاصی داعشی‌ها بوده‌اند، چطور به این تصاویر و فیلم‌ها دسترسی پیدا کردید؟**

دو جای مستند از این فیلم‌ها استفاده کردیم که یکی از این دو بخش مربوط به تصاویری است که داعشی‌ها در شهر آمرلی گرفته‌اند. ما با هر کدام از این افراد که جزو فرماندهان حشد هستند، مصاحبه می‌کردیم از آنها می‌خواستیم که اگر فیلمی در آرشیو دارند که می‌شود در مستند از آنها استفاده کنیم در اختیار ما قرار بدهند. من وقتی آرشیوها را تحویل گرفتم، دیدم بعضی از این فیلم‌ها مربوط به لحظاتی است که داعشی‌ها در شهر آمرلی می‌خواستند، عملیاتی انجام بدهند که شکست می‌خورند و دوربین آنها به دست نیروهای حشد الشعبی می‌افتد که تصاویر جالبی در آن وجود داشته و لطف کردند آنها را در اختیار ما گذاشتند و راش‌هایی از آن فیلم‌ها را در مستند «قائد الحشد» برای اولین بار نمایش



ما وقتی در شهر آمرلی عراق بودیم، اصلاً احساس غربت‌نمی‌کردیم؛ علت آن هم این بود که مردم وقتی می‌فهمیدند ما ایرانی و هموطن حاج قاسم هستیم کلی تحویلمان می‌گرفتند و محبت می‌کردند، ضمن اینکه هر کجای شهر را نگاه می‌کردیم مثل خیابان‌های کشورمان بر بود از عکس‌های حاج قاسم سلیمانی و واقعا احساس می‌کردیم داخل یکی از شهرهای ایران هستیم که این هم از صدقه سر مجاهدت‌های کسی مثل شهید حاج قاسم سلیمانی است. یک نکته دیگر که خیلی جالب است این بود که زمندگان حشد الشعبی وقتی می‌فهمیدند ما ایرانی هستیم، فکر می‌کردند که ما هر روز رهبری را می‌بینیم و می‌گفتند سلام ما را به ایشان برسانید. آمرلی که بودیم بعضی از افراد خاطره جالبی را برایشان نقل کردند که در مستند نیست. می‌گفتند بعد از آزداسزی آمرلی قرار بود که حاج قاسم و ابومهدی برای بازدید به شهر بیایند؛ برای همین منزل یکی از اهالی شهر را برای پذیرایی آماده کردند و به صاحب خانه گفتند قرار است دو نفر از فرماندهان نیروهای نظامی به منزل شما بیایند. بعد از اینکه حاج قاسم و ابومهدی می‌آیند در آن خانه و می‌روند به صاحبخانه می‌گویند آن دو نفری را که مهمان منزلت بودند شناختی؟ آن فرد می‌گوید نه؛ آن شهروند آمرلی می‌گویند آنها بزرگ‌ترین فرماندهان محور مقاومت حاج قاسم سلیمانی ابومهدی المهندس بودند که به منزل شما آمدند؛ این اتفاق نشان می‌دهد که این بزرگواران در عین بزرگی آنقدر خاکی و معمولی رفتار کرده‌اند که حتی چهره آنها برای مردمان شهری که به فرماندهی این بزرگان آزاد شده هم شناخته شده نبوده است.

**موسیقی مستند تولیدی است یا آرشیوی؟**

من خودم به دلیل علاقه‌مندی که دارم، آرشویو بزرگی از موسیقی فیلم‌ها دارم که برای این مستند هم از بعضی موسیقی‌های آرشیوی استفاده کردم.

به بازه حضور شهیدابومهدی در جبهه مبارزه با ظهور و بروز گروه تروریستی داعش در عراق بپردازیم، هر چند با وجود این مشکلات ما موفق شدیم مستندی را بسازیم که در آن تصاویری از آرشویو داعش نمایش داده شود و همچنین با فرماندهان حشد الشعبی مصاحبه کردیم که در نوع خودش کم‌نظیر بود. ما به دنبال این بودیم که ماجراهای اصلی زندگی شهیدابومهدی المهندس را از دوران کودکی تا مهاجرت به کویت و ایران و نهایتاً تشکیل و پایه‌گذاری نیروی مردمی تحت‌عنوان «حشد الشعبی» و شهادت او را بررسی کنیم که متأسفانه مجبور شدیم به اتفاقات تازه زمانی تشکیل حشد تا شهادت‌شان اکتفا کنیم؛ اگر چه برنامه داریم که این پروژه را ظرف دو سه سال آینده عملیاتی کنیم و مستند آن را بسازیم.

**یعنی به دنبال ساخت یک مستند مکمل برای «قائد الحشد» هستید؟**

اگر خدا بخواهد و توفیقش حاصل شود حتماً این کار را می‌کنیم.

**قاعدتاً کسانی که تجربه زندگی با شهیدابومهدی المهندس را داشتند و صاحب خاطراتی از ایشان هستند، جزو فرماندهان و رده‌های عالی‌رتبه نیروهای حشد الشعبی محسوب می‌شوند که سرخط کردن و گرفتن مصاحبه از این افراد به دلیل مراعات مباحث امنیتی و حفاظتی مشکلات خاص خودش را دارد. کار هماهنگی را چطور انجام می‌دادید؟**

شاید باورتان نشود، ولی کار به عجیب‌ترین شکل ممکن اتفاق می‌افتاد. مثلاً ما برای مصاحبه با ابوعلی بصری می‌رفتیم و بعد از اتمام کار به ایشان می‌گفتم که مثلاً می‌خواهیم با ابو منیر مصاحبه کنیم و ایشان پیگیر کار می‌شد و با تماس تلفنی نهایتاً ما را به آنها وصل می‌کردند و ما هم با کلی خواهش اصرار مصاحبه بعدی را می‌گرفتیم. در یک مورد ما برای گفت‌وگو با پدر شهیدمحمدرضا که جزو تیم همراهان شهید ابومهدی المهندس در فرودگاه بغداد بود و با هم شهید شدند، به منزل آنها رفتیم. پدر ایشان به دلیل داشتن بیماری اصلاً حال جسمی مناسبی نداشتند و تصور اولیه‌شان هم این بود که حالا ما قرار است یک مصاحبه کوتاهی با ایشان داشته باشیم، اما وقتی تجهیزات ما را دیدند قبول نمی‌کردند که او گفت‌وگو کنیم. بعد از این اتفاق مجبور شدیم کلی با وی صحبت بکنیم تا بالاخره راضی به انجام مصاحبه با ما شدند. به همین منوال ما فرد به فرد و سلسله‌وار مثل حلقه‌های زنجیر مصاحبه‌ها را هماهنگ می‌کردیم. حالا با موفق می‌شدیم یا مثل مصاحبه با افرادی نظیر ابو فدک اصراها و تلاش‌های ما به بن‌بست می‌خورد و راضی نمی‌شدند.

**این کار تا الان فقط از شبکه خبر پخش شده است، آیا برای پخش آن از شبکه‌های دیگر صحبتی کرده‌اید یا برنامه‌ای دارید؟**

همانطور که شما گفتید فعلاً فقط از شبکه خبر پخش شده است. البته در جشنواره عمار نیز اکران آنلاین شده ضمن اینکه یکی از شبکه‌های عراقی به اسم «ایام» آن را پخش کرده است. البته کار را به شبکه‌های مثل العنصر، المعیادین، الاتجاه و المسیره پیشنهاد داده‌ایم که قبول دادند آن را پخش کنند.

**با توجه به اینکه می‌گویید کار را برای پخش به شبکه‌های دیگر داده‌اید، قاعدتاً باید دو روزانه باشد.**

بله، با توجه به اینکه می‌خواستیم کار را برای پخش به شبکه‌های عرب‌زبان بدهیم، کار را هم با زیرنویس عربی تدوین کردیم و هم متن نریشن را به نریتور عرب‌زبان دادیم تا روی آن گذاشته شود.

**آیا برنامه‌ای برای پخش مستند در دیگر شبکه‌ها به زبان انگلیسی، اسپانیولی و... هم دارید؟**

با توجه به اینکه بعضی از دوستان ما با رسانه‌های ترکیه‌ای در ارتباط هستند، قرار است که مستند از شبکه‌های ترکیه با زبان ترکی هم دوبله و پخش بشود.

**خاطره‌ای از روزهای ساخت مستند در عراق دارید؟**

ما وقتی در شهر آمرلی عراق بودیم، اصلاً احساس غربت نمی‌کردیم؛ علت آن هم این بود که مردم وقتی می‌فهمیدند ما ایرانی و هموطن حاج قاسم هستیم کلی تحویلمان می‌گرفتند و محبت می‌کردند، ضمن اینکه هر کجای شهر را نگاه می‌کردیم مثل خیابان‌های کشورمان بر بود از عکس‌های حاج قاسم سلیمانی و واقعا احساس می‌کردیم داخل یکی از شهرهای ایران هستیم که این هم از صدقه سر مجاهدت‌های کسی مثل شهید حاج قاسم سلیمانی است. یک نکته دیگر که خیلی جالب است این بود که زمندگان حشد الشعبی وقتی می‌فهمیدند ما ایرانی هستیم، فکر می‌کردند که ما هر روز رهبری را می‌بینیم و می‌گفتند سلام ما را به ایشان برسانید. آمرلی که بودیم بعضی از افراد خاطره جالبی را برایشان نقل کردند که در مستند نیست. می‌گفتند بعد از آزداسزی آمرلی قرار بود که حاج قاسم و ابومهدی برای بازدید به شهر بیایند؛ برای همین منزل یکی از اهالی شهر را برای پذیرایی آماده کردند و به صاحب خانه گفتند قرار است دو نفر از فرماندهان نیروهای نظامی به منزل شما بیایند. بعد از اینکه حاج قاسم و ابومهدی می‌آیند در آن خانه و می‌روند به صاحبخانه می‌گویند آن دو نفری را که مهمان منزلت بودند شناختی؟ آن فرد می‌گوید نه؛ آن شهروند آمرلی می‌گویند آنها بزرگ‌ترین فرماندهان محور مقاومت حاج قاسم سلیمانی ابومهدی المهندس بودند که به منزل شما آمدند؛ این اتفاق نشان می‌دهد که این بزرگواران در عین بزرگی آنقدر خاکی و معمولی رفتار کرده‌اند که حتی چهره آنها برای مردمان شهری که به فرماندهی این بزرگان آزاد شده هم شناخته شده نبوده است.

**که در آن نبود و اینکه آیا اهداف مورد نظرتان تحقق پیدا کرد؟**

ما به دنبال این بودیم که یک کار جامع‌تر و کامل‌تری نسبت به آن مستند بسازیم. در واقع طرح اولیه ما این بود که زندگی ابومهدی را از دوران کودکی تا شهادت ایشان را به تصویر بکشیم، منتها ورود ما به عراق و روزهای ابتدایی ساخت مستند «قائد الحشد» همزمان شد با بحث شیوع و پروس کرونا در کشورمان که به دلیل بسته شدن مرزها و کنسل شدن پروازها کار ما هم با مشکلات زیادی روبه‌رو شد که باعث شد مسیر تازه‌ای برای ساخت مستند طراحی کنیم و به همین دلیل فقط بخشی از آن طرح جامع و کاملی را که آماده کرده بودیم، محقق شد و صرفاً توانستیم

کردیم.